

متن پرسش

سروده‌ای نصراللهی تقدیم به امت حزب الله: «عقل کم جو لحظه‌ی آغاز یک شیدایی است / آبروداری نکن تاوان ما رسوایی است» «راه کشف معرفت یک جاده‌ی دشوار نیست / معرفت نوشیدن یک استکان چایی است» «وقت خواب ماست وقتی عالمی را آب برد / داد و بیداد جهان در گوش ما لالایی است» «گفتم از عشقت به صحرا می‌روم فارغ شوم / گفت کمتر کوش چون جادوی ما هرجایی است» «از که می‌پرسی نشان از بی‌نشانی‌های ما؟ / خلق را بگذار چون این گنج در تنهایی است» «ناامیدی را به کوی عشق یزدان راه نیست / بوی نان حاکّ از نزدیکی ناوایی است» «گاه گاهی در بیابانی رهایت می‌کنم / تا نپنداری سرشت هر دلی دریایی است» «هیچ لطفی نیست در پیدایی و پیدا شدن / آنچه هم پیدا شده مرآت ناپیدایی است» «راه نصرالله اوج عزّت تاریخ توست / هرچه در این راه دیدی جلوه‌ی زیبایی است» جای آن گمگشته را مابین فرداها مجو/ در تحیر باش جنس عشق پس فردایی است»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! جنس عشق، «پس فردایی» است و حیرتی که در نسبت به تشیع سید حسن نصرالله بزرگوار پیش آمد هم، به همین جهت بود که اشاره به «پس‌فردایی» داشت و نه «فردایی» که ادامه‌ی امروز است و قدرت‌نمایی‌های صاحبان بمب‌های چند تُنی. در حالی که در پس‌فردای این تاریخ، این انسانیتِ انسان‌ها است که به ظهور می‌آید. و عرض بنده در این رابطه آن بود که:

یوم الله تشیع سید حسن نصرالله متذکر حضوری بود که حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» در مقابل انسان این دوران گشود تا انسان‌ها دوستی و مهر حقیقی را در صبحگاهان تاریخی که با مقاومت در حال وقوع است تجربه کنند و این یعنی در درون خود جهانی گشتن بی‌انتهای به وسعت انسانیت همه انسان‌ها. موفق باشید